

### شیرازه

**انتشار ترجمه‌هایی تازه از سه شاهکار شکسپیر**

## شکسپیر دوزبانه

«شاه‌لیر» از مجموعه نمایش‌نامه‌های دوزبانه از شکسپیر

«مکبث» از مجموعه نمایش‌نامه‌های دوزبانه از شکسپیر

**شرق**؛ ویلیام شکسپیر، شاعر و نمایش‌نامه‌نویس و بازیگر تئاتر انگلیسی و از مشهورترین چهره‌های فرهنگی کلاسیک است که تأثیری مهم در بسیاری از عرصه‌های هنری و ادبی داشته است. شکسپیر یکی از اولین نمایش‌نامه‌نویسانی است که اثری از او در ایران منتشر شد. نخستین نمایش‌نامه کاملی که از او به زبان فارسی ترجمه شد «رام‌کردن زن سرکش» بود که با ترجمه حسین‌قلی سالور (اعتمادالسلطنه) در سال ۱۲۷۸ به چاپ رسید. این ترجمه، مانند دیگر ترجمه‌های آن دوران، از زبان فرانسه انجام شده بود. به این ترتیب می‌توان گفت که شکسپیر پس از مولیر از اولین نمایش‌نامه‌نویسان شاخص غربی است که آثارش در ایران ترجمه و منتشر شده است. از آن زمان تا امروز ترجمه از شکسپیر ادامه یافته و از برخی از آثار او چندین ترجمه در دست است. به طور کلی این اعتقاد وجود دارد که آثار کلاسیک جهانی هر چند سال یک بار باید دوباره ترجمه شوند چراکه هر ترجمه می‌تواند روایتی تازه از آثاری باشد که آزمون زمان را پس داده‌اند و به عنوان میراث فرهنگی و ادبی جهان به شمار می‌روند.

مدتی پیش ترجمه‌هایی دوزبانه از سه اثر شاخص شکسپیر منتشر شد؛ «مکبث»، «شاه‌لیر» و «همלט» آثاری هستند که در نشر مهراندیش به چاپ رسیده‌اند. آن‌طورکه در توضیحات ناشر آمده، این نخستین‌بار است که آثار شکسپیر به صورت دوزبانه و بر اساس متون معتبر و ترجمه از زبان اصلی منتشر می‌شود.

مهدی سجودی‌مقدم «مکبث» را به فارسی برگردانده و در بخشی از مقدمه‌اش به این نکته اشاره کرده که نمایش‌نامه تراژیک «مکبث»، کوتاه‌ترین و آخرین تراژدی نوشته‌شده توسط ویلیام شکسپیر و یکی از مشهورترین و برجسته‌ترین آثار اوست که به اعتقاد بسیاری بین سال‌های ۱۵۹۹ و ۱۶۰۶ نوشته شده است. او همچنین نوشته که: «جان‌مایه مکبث وقایع تاریخی اسکاتلند است، که شکسپیر با به خدمت گرفتن برخی عناصر و وقایع آن، به همراه ذوقی ادیبانه و زبانی برکشیده و نافذ و درآمیختن اندیشه‌هایی والا که می‌توانند جان آدمی را متأثر سازند، آن را در قالب نمایش‌نامه‌ای کم‌نظیر جاودانه ساخته است.»
ظاهرا در اولین اجرای «مکبث» خود شکسپیر هم نقش داشته است.

این اجرا در سال ۱۶۱۱ در تماشاخانه گلوب لندن به صحنه رفته است. سال‌ها بعد و در سال ۱۶۲۳ و در دوران پادشاهی جیمز یکم، که او را از حامیان نوشته‌های شکسپیر دانسته‌اند، نخستین نمونه «مکبث» چاپ و منتشر شد. متن مبنای این ترجمه فارسی از «مکبث»، متن انگلیسی فلجر شکسپیر لایبرری است که از معتبرترین مراکز شکسپیرشناسی جهان به شمار می‌رود. سطرپندی و قالب ترجمه نیز مشابه متن انگلیسی بوده و با اجتناب از ترجمه پاراگرافی، در مقابل هر سطر انگلیسی سطر فارسی قرار گرفته است. در پایان کتاب میرمجید عمرانی متنی با عنوان «زرف‌نگری نمایش مکبث» نوشته و در آن به نقد واکاوی اثر پرداخته است. او در بخش پایانی متنش نوشته: «ما در این نمایش گواه انسان‌دوستی رزم‌جویانه شکسپیریم. بیکار در برابر مکبث، بیکار برای رهایی آدمی از ستم و خودکامگی است.

مکبث هم برای خود و هم برای دیگران مرگ می‌آورد. او، ازاین‌رو، بار گناه دوگانه‌ای را به دوش می‌کشد. هرچند مکبث در بسیاری زمینه‌ها با تعریف کلاسیک تراژدی می‌خواند، ولی تنها تراژدی شکسپیر است که تبهکار– قهرمان نیز هست. آدم خوب و بزرگی را که همه ستایش می‌کنند، بگیرد و نه تنها در تن و جان، بلکه در خوی و خرد نیز ویرانش کند. تازه پس از آن، تا می‌توانید خوارش دارید و قهرمان سوگ‌وارش کنید. به زبان دیگر، چنان شایسته همدردی‌اش‌کند که در زمان مرگش، بینندگان بیش از آنکه از او بیزار شوند، برایش دل بسوزانند و از دیدن پایان سیاه‌روزی او آرام یابند تا اینکه از دیدن نابودی‌اش خرسند گردند. این کار بزرگی است که شکسپیر به گونه‌ای درخشان در نمایش سوگناک مکبث به انجام می‌رساند.»

«شاه‌لیر» نیز با ترجمه مهدی سجودی‌مقدم در نشر مهراندیش منتشر شده است. این اثر آن‌طور که مترجم نیز در دیباچه‌اش نوشته، نمایش‌نامه‌ای است در پنج پرده و دو خط داستانی دارد که آن را یکی از بزرگ‌ترین و جاودانه‌ترین تراژدی‌های شکسپیر می‌داند و برخی همچون پرسسی بیش شلی، شاعر غزل‌سرای انگلیسی، آن را کامل‌ترین نمونه هنر نمایشی موجود در جهان دانسته‌اند. مترجم همچنین به این نکته اشاره کرده که هیچ نشانه و مدرک روشن و آشکاری در دست نیست که نشان دهد «شاه‌لیر» در چه زمانی نوشته شده اما بر اساس پژوهش شکسپیرشناسان و شواهد موجود می‌توان حدس زد که بین سال‌های ۱۶۰۳ و ۱۶۰۶ نوشته شده باشد.

میرمجید عمرانی در متنی که با عنوان زرف‌نگری نمایش در انتهای کتاب نوشته، به بررسی واکاوی اثر پرداخته و در بخشی از آن نوشته: «شاه‌لیر که بیش از چهارصد سال پیش نوشته شده و زندگی جامعه‌ای در سده‌های بسی دورتر از آن را به نمایش می‌کشد، ایمن که روزگار ما، به آسانی به درونمان راه را می‌کشاید و به سادگی سیراپایمان را به لرزه درمی‌آورد. ما همه کردبلیاهایمان را که به جانمان بندند، از دست می‌دهیم، یا اگر آن اندازه بختیار باشیم که از دستشان ندهیم، با ترس همیشگی از دست دادنشان زندگی می‌کنیم.»

نمایش‌نامه «هملت» با ترجمه علی اسلامی به چاپ رسیده است. مترجم در مقدمه‌اش به برخی ویژگی‌های این نمایش‌نامه اشاره کرده از جمله آنکه این اثر بلندترین نمایش‌نامه شکسپیر است و اثری منحصره‌فرد در ادبیات جهان است و هیچ اثری را نمی‌توان یافت که تا این حد دربراه‌اش صحبت کرده یا نوشته باشند. «هملت» به دلیل پیچیدگی‌های زبانی و معنایی‌ا از دیرباز مورد توجه منتقدان و فیلم‌سازان قرار داشته است. برای مثال از سال ۱۹۰۰ تا امروز بیش از پنجاه فیلم بر اساس این نمایش‌نامه ساخته شده است. این ترجمه از رافل و نسخه کمبریج با تصحیح فلیپ ادواردز صورت گرفته است که هر دو از کامل‌ترین نسخه‌های موجود «هملت» هستند. مترجم در پایان کتاب هم متنی تحلیلی درباره «هملت» نوشته و در آن کوشیده لایه‌های پنهان و موضوعات بحث‌برانگیز این شاهکار تاریخ ادبیات را بررسی کند.



با مروری بر آثار شاخصی که درباره سعدی منتشر شده‌اند، می‌بینیم که درباره سعدی در مقایسه با بسیاری از شاعران کلاسیک فارسی بسیار کم گفته و نوشته‌اند. این در حالی است که سعدی

نه‌تنها در تاریخ ادبیات ایران بلکه در فرهنگ ما جایگاهی یگانه دارد و یکی از نشانه‌های چنین جایگاهی رواج بسیاری از حکایت‌ها و شعرهای او در میان عامه مردم، از گذشته تا امروز، بوده است. آثار او تا همین چند دهه پیش یکی از پایه‌های آموزش سنتی در مکتب‌خانه‌های ایرانی بود و تأثیر او در شعر و نثر معاصر فارسی هم آشکارا قابل‌مشاهده است.

بااین‌حال در میان آثاری که به سعدی پرداخته‌اند کتاب «سعدی» ضیاء موحد اثری خواندنی است و از تاریخ ادبیات‌نویسی‌های مرسوم نیز متفاوت است. شیوه مرسوم تدریس ادبیات کلاسیک و همچنین اغلب تاریخ ادبیات‌های موجود خشک و سنتی است و این شاید از مهم‌ترین دلایل فاصله‌گرفتن ما از شاعران کلاسیک باشد. شاعران کلاسیک ایران به‌نوعی قربانی این مسئله بوده‌اند و ازهمین‌رو است که موحد در بخش اول کتاب «سعدی» با نکو‌هش از شیوه‌های سنتی و خشک مواجهه با ادبیات کلاسیک می‌گوید که از حسن تصادف بوده که با شعر سعدی به‌گونه‌ای دیگر آشنا شده و کتاب «سعدی» خود او نیز دقیقاً به گونه‌ای دیگر است: «از حسن تصادف، آشنایی من با شعر سعدی به گونه دیگر بود، یعنی بیرون از مکتب و کلاس درس. کلیات سعدی را داشتیم. یک‌بار آن را باز کردم و خواندم. از بوسنات به گلستان رفتم و از آنجا به غزلیات و این در سن و سالی بود که نه تصور بالغی از عشق داشتم و نه گوش استماع نصیحت و عجا که سعدی یا عاشق بود یا ناصح. پس این‌ن چه نیرویی بود

که چنین مرا مجذوب خود کرده بود؟ این جادو از کجا آمده بود؟». «سعدی» موحد مدخلی مناسب برای ورود به آثار و دنیای این شعر کلاسیک فارسی است و در این کتاب ردی از روایت خشک تاریخ ادبیات‌های مرسوم نیست. موحد سعدی را زبان فارسی و جادوی زبان فارسی می‌داند و چنین جادویی بوده که او را به سمت سعدی کشانده است. کتاب «سعدی» او حاصل مواجهه خلاقانه او با این شاعر کلاسیک فارسی است. دو فصل ابتدایی این کتاب، به زمینه و زمانه سعدی و به‌عبارتی به زندگی او مربوط است و عجیب اینکه در این دو فصل می‌بینیم که درباره زندگی سعدی ابهامات و نقاط تاریک زیادی وجود دارد و حتی تاریخ تولد و وفات او محل شک و شبهات زیادی بوده است. موحد به مثالی جالب درباره این تردی‌ها اشاره کرده است: در سال ۱۲۶۳ گنگرهای به مناسبت هشتصدمین سال تولد سعدی با این فرض که سعدی در ۶۰۶ هجری متولد شده است، در شیراز برگزار می‌شود و در همان گنگره، محیط‌طباطبایی در مقاله‌اش با عنوان «نکاتی در سرگذشت سعدی»، تولد او را با استناد به آثارش ۵۸۵ هجری اعلام می‌کند. موحد می‌گوید «گمان نمی‌کنم برگزارکنندگان گنگره از این کشف که آنان را به بیست‌ویک سال تأخیر در برپاکردن این جشن متهم می‌کرد، چندان خشنود شده باشند». موحد می‌گوید از آغاز تا امروز، هواره «در تحقیق پیرامون شاعری که بیش از هرکس دیگر آثارش مایه پرورش و گسترش زبان فارسی، پایه ملیت و فرهنگ» ما بوده غفلت کرده‌ایم.

**مروری بر کتاب «سعدی» ضیاء موحد**

# جادوی زبان

### پیام حیدرقزوینی



موحد همچنین فهرست پژوهش‌هایی را که درباره سعدی تا اوایل دهه هفتاد منتشر شده، آورده و عجیب اینکه این فهرست بسیار کم‌حجم و تنها شامل چند اثر است. او با اشاره به این موضوع

نوشته که: «در لغت‌نامه دهخدا زیر عنوان سعدی برای مطالعه بیشتر به شش کتاب ارجاع داده شده که دو تای آنها نوشته غربیان است. در همین لغت‌نامه هجده صفحه به حافظ اختصاص داده شده اما سهم سعدی درمجموع نیم‌ستون مقرر گردیده که به نسبت یک‌صدم سهم حافظ است. مثل اینکه سعدی با گفتن مشک آن است که بویید نه آنکه عطار بگوید سرنوشت خود را رقم زده است و به برکت خود آثار اوست که از شیراز سخنش به آفاق می‌رود.».

موحد چند سال پیش در گفت‌وگویی با «شرق» درباره سعدی و کتابش درباره او گفته بود: «در مورد سعدی زبان را مینا قرار دادم و حول محور آن حرکت کردم. یعنی این بحث‌های مربوط به چیزهای دیگر را کنار گذاشتم و گفتم سعدی یعنی زبان فارسی، یعنی تسلط به زبان. می‌گوید: بدین صفت که در آفاق صیت شعر تو رفت/ نرفت دلخه که آتش بدین روانی نیست. سعدی اعجوبه زبان است. شاملو که تحت نفوذ نیما از سعدی انتقاد می‌کرد، به ترجیع‌بند او که رسیده بود دیگر تسلیم شده بود و می‌گفت این شعر، معجزه است. واقعا هم هیچ‌کس نتوانست ترجیع‌بندی مثل آن بگوید. حتی حافظ هم سعی کرده و دو سه بندی گفته اما مثل ترجیع‌بند سعدی از کار درنیامده. می‌داند که قدیم‌تراها شعر سعدی بسیار بیشتر از حافظ رواج داشت و مردم از دوره دبستان و مکتب‌خانه تا این روزگار سالخوردگی، شعر و نثرش را می‌خواندند. من خودم حافظ را بعد از سعدی خواندم و وقتی خواندم فضای کاملاً متفاوتی را تجربه کردم.

یادم است چهل سالم که بود پیش یکی از ادبای قدیمی رفته بودم که با اینکه سنش زیاد بود حافظه خیلی خوبی داشت. از من پرسید: شما چندسالت است؟ گفتم: چهل سال. گفت: خب حالا دیگر وقت حافظ خواندنت است. یعنی برای حافظ‌خواندن و فهمیدن حافظ سن‌وسالی قائل بودند. البته مردم با شعر حافظ فال هم می‌گرفتند. یک نکته که باید در مقایسه حافظ و سعدی به آن توجه داشت این است که دامنه کار سعدی به نسبت حافظ خیلی وسیع است و همین شاید یک مقدار به کار سعدی لطمه زده باشد. چون حافظ کلا چهارصد غزل دارد و مقدار کمی شعر در قالب‌های دیگر. بوستان و گلستان هست، قصیده‌هایش هست که قصایدی محکم و با طرزی تازه‌اند، هزلیات و هجویاتش هم هست که البته اگر خودش می‌خواست اشعارش را جمع‌آوری کند شاید آنها را حذف می‌کرد. چون این نوع شعرها را اغلب شاعران ایران دارند ولی چاپ نکرده‌اند.»

همان‌طورکه اشاره شد، موحد در دو فصل اول کتاب «سعدی»، به زندگی و زمانه سعدی پرداخته و تلاش کرده سرگذشت او را بر اساس شواهد و قراین موجود ترسیم کند و در این میان به چالش‌های نوشتن زندگی‌نامه چهره‌های کلاسیک که درباره‌شان بسیاری افسانه و روایت خیالی شکل گرفته اشاره کرده است. کتاب «سعدی»، هشت فصل دارد و جز این بیوستی هم دارد که به مطایبات سعدی مربوط است.

# لذت از امر ناممنوع و اونیل به روایت اونیل

محسوب می‌شود. اونیل در مدارس شبانه‌روزی تحصیل کرد و بعد چند سالی به نقاط مختلف سفر کرد و در حرفه‌های مختلفی مشغول به کار شد تا اینکه به سل دچار شد و ناچار در آسایشگاهی بستری شد و در آنجا کاری جز خواندن و نوشتن نداشت.

اونیل در ایران هم نویسنده شناخته‌شده‌ای به شمار می‌رود و می‌توان گفت که او آثار او ترجمه‌های خوبی هم در دست است. نشر بیدگل در قالب مجموعه‌ای نمایش‌نامه‌های اونیل را منتشر می‌کند. یکی از کتاب‌های این مجموعه که چند سال پیش منتشر شده بود، «تشنگی و دو نمایش‌نامه دیگر» نام دارد که با ترجمه بدالله آقاعباسی منتشر شده است. «تشنگی»، «بی‌پروایی» و «سقط جنین» سه نمایش‌نامه‌ای است که در این کتاب آمده است. گزاررگرفتن آدم‌ها در موقعیت‌هایی نامعوم و عیان‌کردن روی هولناک واقعیت‌وضعی است که در هر سه نمایش‌نامه اونیل در این کتاب به‌خوبی به چشم می‌آید، اما «سیر طولانی روز در شب»، درواقع نمایش‌نامه خودزندگی‌نامه‌ای یوجین اونیل و به تعبیری استادان‌زیرین اثر او است. این نمایش‌نامه را اولین‌بار انتشارات دانشگاه ییل در ۱۹۵۶ منتشر کرد و یک سال بعد برنده جایزه پولیتزر شد. هارولد بلوم درباره این کتاب نوشته است: «سیر طولانی روز در شب به اتفاق آرا شاهکار اونیل است… عشق میان اعضای خانواده خودش به زحمت در برابر زخم‌ها و آسیب‌های ازواج، پدر و مادری و فرزندی تاب می‌آورد، چه رسد به اینکه بخواهد این زخم‌ها را تسکین دهد. این واقعیت هرگز تا این حد بی‌رحمانه

و اثرگذار به تصویر کشیده نشده؛ آن‌هم با بیانی چنین قدرتمند که بعید است هیچ‌کدام‌همان تلخی‌اش را هرگز فراموش کنیم». اونیل «سیر طولانی روز در شب» را در ۱۹۴۰ نوشت؛ اما نمایش‌نامه تا ۱۹۵۶، یعنی پس از مرگ نویسنده، روی صحنه نرفت. او در این نمایش‌نامه با شجاعت و بدون هیچ شرمی از زندگی واقعی خودش می‌نویسد. اثر او تلاشی است غم‌بار برای درک خودش و خانواده‌اش و همان‌طورکه اونیل در تقدیم‌نامه کتاب اشاره کرده، «این نمایش‌نامه را که درباره اندوهی کهنه است، با اشک و خون نوشته‌ام». در بخشی از این نمایش‌نامه می‌خوانیم: «هیچ‌کدموم در برابر بلاهایی که زندگی سرمون آورده کاری از دست‌مون برنمی‌آد. آدم اصلاً نمی‌فهمه کی اون بلاها سرش می‌آن، وقتی هم که می‌آن سراغش باعث می‌شن آدم سرش به چیزهای دیگه گرم بشه تا اینکه بالاخره یادش بره چی می‌خواست بشه و خود واقعیش رو برای همیشه فراموش می‌کنه.»

را در لباس دوست‌داشته‌شدن، منتخب و محبوب‌بودن، مورد حمایت قرارگرفتن و به معنایی مقرربودن تقدیر آدمی نشان می‌دهد؛ بنابراین فرمان‌برداری لذتی ناممنوع است که لذت ممنوع ارباب تضمین‌کننده آن است؛ ازاین‌رو لذت‌های ناممنوع ربطی به ارباب ندارند (به هر دو معنی ربطی به آن ندارند؛ نه مرعوب‌کننده‌اند و نه برای داشتن‌شان نیازی به ارباب هست). برعکس، ارباب کاملاً به لذت‌های ممنوع ربط دارد». براساس این او می‌گوید اینها سوآلاتی است که امکان طرح کردن‌شان وجود دارد: در هر شرایطی، چه‌موقع و چرا ارباب بیسته است؟ مرعوب‌شدن درواقع چه لذت‌هایی دارد؟ و مکمل هریک از این سوآل‌ها به نوبت اینهاست: اگر برای هر باوری تهدید و ارباب ضروری باشد، اساساً باور و اعتقاد به چه معنا است؟ لذت مرعوب‌شدن چه چیزی دارد که باعث می‌شود اغلب اوقات این لذت را پذیرا شویم؟ آدم فیلیبس می‌گوید ارباب آن وقتی ضرورت می‌یابد که امیدی به مشارکت نیست.

«سیر طولانی روز در شب»، عنوان نمایش‌نامه‌ای است از یوجین اونیل که به‌تازگی با ترجمه بدالله آقاعباسی در نشر بیدگل منتشر شده است. اونیل از چهره‌های شاخص نمایش‌نامه‌نویسی معاصر جهان است که در سال ۱۸۸۸ در نیویورک متولد شد. خانواده اونیل از ایرلندی‌های مهاجر بودند و خود او در هتلی در برادوی به دنیا آمد. پدرش هنرپیشه تئاترهای عامه‌پسند بود و در کار خود بازیگر شناخته‌شده‌ای



**لذت‌های ناممنوع**
**آدام فیلیبس**
**ترجمه نصر اله مرادیانی**
**نشر بیدگل**

سیر طولانی روز در شب

ارباب می‌باشد ناممنوع



سیر طولانی روز در شب

یوجین اونیل

ترجمه بدالله آقاعباسی

نشر بیدگل

### عطف

## انسان در غارهای ما

«هفت غار» از مجموعه نمایش‌نامه‌های دوزبانه از شکسپیر

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

عنوان کتابی است از کارلتن کوون که مدتی پیش با ترجمه فخرالسادات بصامپور در نشر نو منتشر شد. این کتاب تجربه‌ای است در نگارش باستان‌شناسانه که به خصوص برای ما ایرانیان خواندنی و جذاب است؛ چرا که هم سندی است در حوزه مطالعات باستان‌شناسی و هم شامل اطلاعات تاریخی دست‌اولی است درباره آداب و رسوم و سلوک ایرانیان و مناسبات زندگی‌شان در دهه ۳۰ خورشیدی که کاوش‌ها در آن زمان انجام شدند و در مطبوعات آن دوره هم بازتاب پیدا کرده بودند.

کاوش‌های کارلتن کوون در غار بیستون در حوالی کرمانشاه و غارهای کمریند و هوتو در بهشر مازندران صورت گرفته‌اند. انتشار یافته‌های او در کتاب «هفت غار» به ما نشان می‌دهد که مساکنان این مناطق در چند هزار سال پیش چگونه زندگی می‌کردند.

در بخشی از توضیحات کتاب درباره این اثر آمده است: «باستان‌شناسان یا صرفاً خودشان و برای هم می‌نویسند، یا چندان تخیل و صنعت ادبی به کار می‌برند که عموماً تشخصی علم از شبه‌علم یکسره دشوار می‌شود. اما تکننگاری هفت غار از لونی دیگر است؛ هم مشحون است از اکتشافات علمی باستان‌شناسی پرشور و ثابت‌قدم که دیرزمانی در سرما و گرما غارهای خاورمیانه را روشنندانه در پی کشف آثار و نشانه‌های دوران پارینه‌سنگی می‌کاود و یافته‌هایش را طبقه‌بندی و مرتب می‌کند، هم مشحون است از توصیفات روانی در شرح مشقات و مصائب باستان‌شناس، و تعامل او با مردمان بومی از طنجه تا افغانستان و البته نحوه تعامل با کارگزاران دولتی.»

«هفت غار» شامل ۹ فصل با این عنوان‌ین است: «چراکسانی غارها را کاوش می‌کنند»، «طنجه: غار مرتفع»، «شکارچیان (گوزن) بی‌سنتون»، «غار کمریند و ساحل دریای خزر»، «هوتو»، «فره‌کمر: کمرسیاه»، «گردنه سفید در بیابان»، «جرف آجلا: یخ آبرفت هیفر (ماده کوساله)» و «انسان در غارهای ما».

نویسنده کتاب در بخشی از پیشگفتارش نوشته که روال کار باستان‌شناسان دوره پارینه‌سنگی، هنوز هم با بی‌علاقگی مردم روبه‌رو است و در اصل باستان‌شناسان برای یکدیگر می‌نویسند، چراکه آنها به‌طور غیررسمی از کارهای یکدیگر باخبرند و تأخیر در انتشار چندان برایشان مهم نیست. به عبارتی ممکن است بین حفاری یک محل و انتشار اثری درباره آن، ده یا حتی بیست سال فاصله بیفتد؛ چراکه متخصصان باید مطالعات جداگانه زیادی در همه زمینه‌های ممکن انجام دهند و گزارش‌هایشان را گردآوری و هماهنگ کنند. این گزارش‌ها که معمولاً با اصطلاحات تخصصی بیان می‌شود، فقط برای کارشناسان مفهوم است و دیگران به آنها علاقه‌ای ندارند. اما کتاب «هفت غار» برخلاف آثار وزینی از این دست، به نثری ساده و سراسرت نوشته شده است و پنج سال پس از حفاری محوطه‌هایی که اشاره شد منتشر می‌شود. چون نویسنده خودش حفاری‌ها را انجام داده، از کتاب‌های برطرفدار باستان‌شناسی خبرنگاران و نویسندگان علمی حرفه‌ای متمایز می‌شود. خود نویسنده کارلتن کوون درباره این ویژگی کتاب نوشته: «این تفاوت‌ها نویسنده را از جهات بسیار در معرض حملاتی قرار می‌دهد. ممکن است متخصصان او را به اشتباه‌زدگی بخبرنگاران و نویسندگان علمی حرفه‌ای باستپساری از ایشان مشورت شده است و همه کلمات دست‌نوشته یا نسخه اولیه را برترین افراد این حوزه خوانده‌اند.»

«هفت غار» از مجموعه نمایش‌نامه‌های دوزبانه از شکسپیر

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»

«کاووش‌های باستان‌شناسی در خاورمیانه»